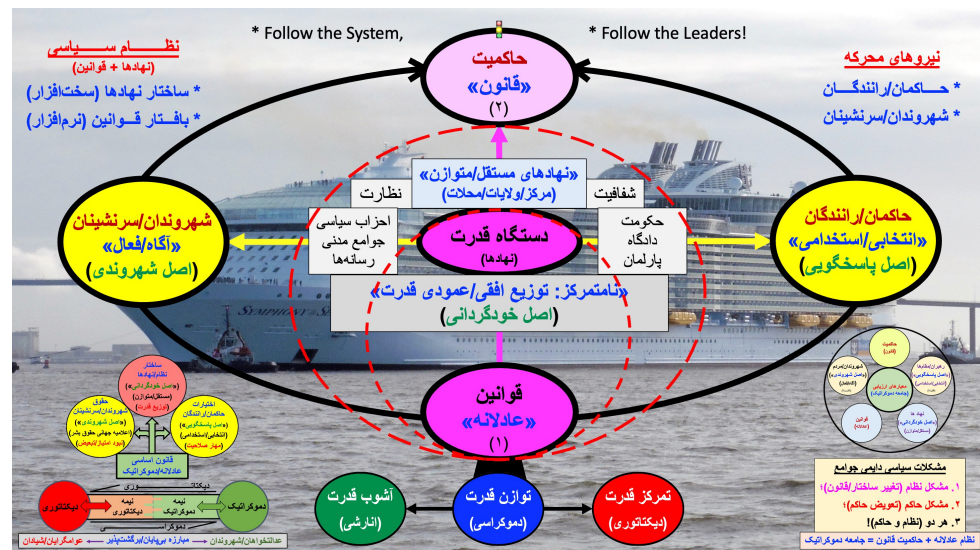


گفتگو  
با جناب ضرابی

# عوامل و موانع ملت سازی در کشور

پروفسور دکتور لعل زاد

لندن، ۱۰ مارچ ۲۰۲۳



## عناوین

- تعریف برخی مفاهیم: هویت، قوم، ملت، دولت، ملت/دولت سازی، دولت/هویت/وحدت ملی
- پیشینه و اثره های افغان و افغانستان
- پیشینه و اثره خراسان
- روند دولت-ملت سازی در افغانستان (قومی: افغان/پشتو/پشتون سازی): پیشینه مرض
- راه حل/برونرفت: دولت-ملت سازی عادلانه (دموکراتیک/شهروندی): تداوی مرض
- نیازهای عمده شرایط کنونی

## تذکر کوتاه در مورد محتوای مطالب

\* هر آنچه گفته می شود، بر بنیاد «اسناد و منابع تاریخی» است، نه «تحلیل» ها!

\* تمام اسناد و منابع «دست اول و معتبر» اند، نه «نقل قول» ها!

\* اگر اسنادی مانده باشد و یا در جایی اشتباه شده باشد، با ذکر اسناد پذیرفته می شود!

## دو مشخصه بارز دوران ما:

- \* فروپاشی دولت‌های چند قومی و به‌ویژه «متمرکز» (شوروی، یوگوسلاویا، چکوسلواکیا، حبشه، پاکستان، هند، اندونزی، سریلانکا، نایجیریا و غیره)؛
- \* شکل‌گیری واحدهای قومی-سیاسی و تبدیل آن‌ها به ملت-دولت (سکاتلند، کیوبیک، کاتالونیا، باسک، کردستان، کشمیر، پنجاب، تیمور شرقی و غیره).

**هویت:** ویژگی‌های که یک فرد (یا گروهی از افراد) خود را با آن‌ها معرفی می‌کند یا متمایز می‌سازد (هویت می‌تواند اصلی، جعلی، طبیعی، کسبی، انتخابی، تحمیلی و یا ملی، قومی، زبانی، مذهبی، جنسیتی، مسلکی و غیره باشد).

**قوم:** یک مقوله «زبانی-فرهنگی» است که در اثر «کوچندگی/انزوا»، «اجبار/تحمیل» و غیره عوامل در درازنای سده‌ها بوجود می‌آید!

**ملت:** یک مقوله «حقوقی-سیاسی» است که در دو-سه سده اخیر (یا دوره سرمایه داری) بوجود آمده و توسط «دولت»‌ها ساخته می‌شود:

\* در «دولت دیکتاتوری» بر بنیاد زور، تحمیل (هویت، زبان و فرهنگ) و «رعیت/تبعه‌سازی»! [ناپایدار و رو به تجزیه است]!

\* در «دولت دموکراتیک» بر بنیاد ارزش‌های انسانی/دموکراتیک، «شهروندسازی» و اتحاد داوطلبانه! [نسبتاً پایدار است]!

**نگرش ۱.** برخی «واحدهای قومی-سیاسی» نیز وجود دارند که با نمایش شاخص‌های ملی (اشتراکات قومی-سیاسی) در آستانه تبدیل به دولت متوقف مانده‌اند، اما در اثر مبارزه و مقاومت، دولت‌های حاکم را وادار به عقب‌نشینی، سازش و واگذاری نوعی حاکمیت (فدرالیزم) کرده‌اند. به همین دلیل و با در نظر داشت «حق ملل در تعیین سرنوشت خویش» گفته می‌شود، «فدرالیزم مقدمه‌ی جدایی/تجزیه است»!

**نگرش ۲.** مفاهیمی مانند «قوم پشتون»، «ملت افغان» یا تقسیم تاجیک‌ها به دهها گروه قومی در کشور، پدیده‌های غیرطبیعی اند که در ۱۰۰ سال اخیر و حتی در این اواخر، به منظور سیاسی توسط دولت حاکم ساخته شده اند!



**دولت‌های کلاسیک:** با گذار از ملوک الطوائفی به امپراتوری/شاهنشاهی ها بوجود آمدند:

- \* «**نهادهای محدود**» سیاسی برای «تنظیم امور» (راننده/گرداننده چرخ جامعه)؛
- \* «**قلمرو**» های اکثرا با نام خانوادگی حاکمان و ملکیت خدا (با ساختار «غیرمتمرکز»)؛
- \* «**مردم**» یا «رعیت/تبعه» («باجگزار»، «خطبه خوان» و «سکه چلان»)؛
- \* «**سرحدات**» طبیعی (مانند کوهها، دریاها و دشت‌ها یا مناطق بی صاحب یا حایل)، بدون مرز مشخص؛
- \* «**حاکمیت فرد**» معمولا «دولت زمامدار» با تحمیل خواست‌ها/تمایلات حاکمان از طریق زور و فرمان؛

نقش دولت در بدن، مثل سر است      «ماهی از سر گنده گردد، نی ز دم»

## ایجاد مفاهیم جدید در دو سه سده اخیر

\* سده ۱۷: ایجاد مفهوم «دولت‌های مستقل» در اروپا:

\* پیمان وستفالی شناسایی/حق تساوی دولت‌ها یا آغاز سیستم مدرن بین المللی (۱۶۴۸)؛ مرزهای ملی به عنوان واحد سیاسی!

\* عدم تعرض/مداخله در امور «دولت‌های مستقل» (حاکمیت بر سرزمین و مردم: جدایی بیش از ۳۰۰ واحد سیاسی از امپراتوری مقدس روم) و آغاز تهاجم اروپاییان به قاره‌های دیگر (آغاز استعمار با «حس برتری و اسارت»); همگون سازی!

\* سده ۱۸: «انقلاب صنعتی انگلیس» (۱۷۶۰)، «استقلال امریکا» (۱۷۷۶) و «انقلاب کبیر فرانسه» (۱۷۸۹) باعث ایجاد «اندیشه» های «دولت – ملت» یا «دولت ملی»: دولت‌های مستقل دارای «شهروندان برابر حقوق».

\* سده ۱۹: ظهور «جنبش‌های ملی (آزادی‌بخش) با «حس انتقام و خصومت» و ایجاد «دولت-ملت یا دولت ملی» یا «کشور» های که «ملت/شهروندان» آن احساس هماهنگی در زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارند!

\* سده ۲۰: پذیرش اصل «حق تعیین سرنوشت ملل» پس از «جنگ اول جهانی»:

\* ایجاد «دولت‌های کوچک قومی-سیاسی متجانس‌تر» پس از «جنگ دوم جهانی» که با مفهوم «دولت-ملت» هماهنگی بیشتر دارد (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸).

## دولت‌های ملی:

- \* برخاسته از اراده آزاد «شهروندان» (افراد برابر حقوق) در یک «انتخابات دموکراتیک»؛
- \* «سرزمین» دارای «نام» معین و ملکیت دولت، «مرز»‌های مشخص (بر روی زمین/نقشه)، گذرنامه و ویزه؛
- \* «قوانین عادلانه» (حاکمان پاسخگو، ساختار نامتمرکز و شهروندان برابر حقوق)؛
- \* ملت سازی/شهروندسازی!
- \* حاکمیت قانون!

یکی از وظایف اساسی دولت ملی تبدیل اقوام و قبایل به شهروند است!

چون واحد اساسی جامعه در یک دولت ملی «فرد/شهروند» است، نه قوم، قبیله، مذهب و غیره...

## ملت‌سازی

### \* شهروندسازی:

\* تصویب/تطبیق قوانین عادلانه (حقوق شهروندی یا لغو هرگونه امتیاز و تبعیض بر بنیاد قوم، زبان، مذهب و غیره)؛

\* ایجاد زمینه‌های مساوی رشد/توسعه برای تمام شهروندان (افراد برابر حقوق) بر بنیاد اعلامیه جهانی حقوق بشر؛

\* تبدیل اقوام و قبایل به شهروندان (افراد برابر حقوق یک کشور، صرف‌نظر از وابستگی‌های قومی، زبانی و مذهبی آن‌ها و دارای «حس اشتراکات سیاسی-حقوقی مساوی» با همدیگر؛ مگر بر حسب شایستگی)!

### \* هویت‌سازی (هویت ملی):

مجموعه «**نمادهای مشترک**» کشوری که مورد «پذیرش» همه شهروندان کشور و نمایانگر هویت واقعی آن‌ها باشد (تاریخ، زبان، پول، سرود، پرچم، تذکره، اسطوره و غیره)، نه نمادهای یک «قوم» خاص و «**تحمیل**» آن بالای دیگران!

### \* اعتمادسازی (وحدت ملی):

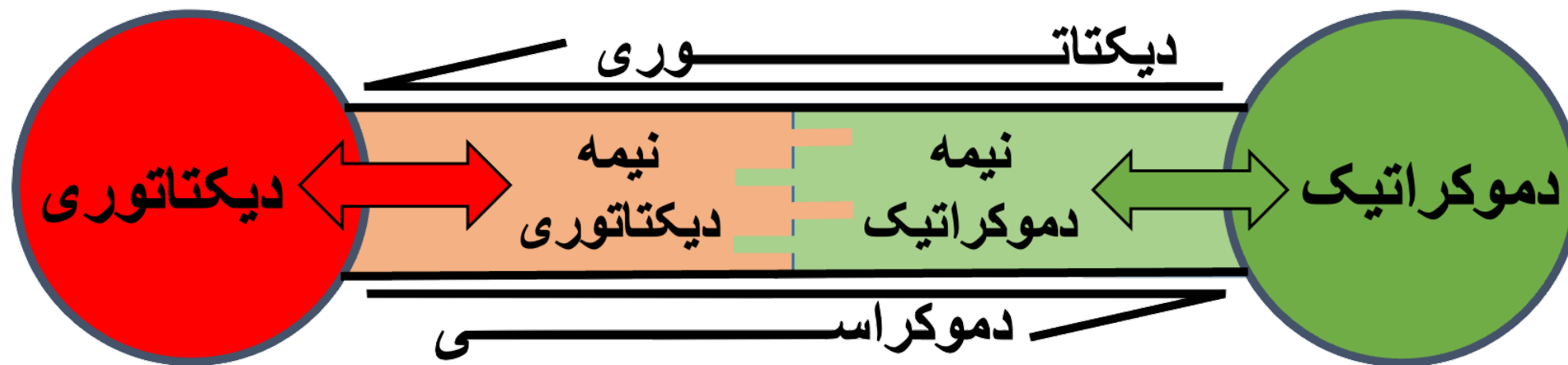
«**اتحاد داوطلبانه**» «**شهروندان**» (افراد برابر حقوق) در زیر یک «**حاکمیت/دولت ملی**» (که محصول انتخابات آزاد شهروندان است)، نه شعارهای دروغین و لفاظی‌های رنگین در زیر یک حاکمیت تک‌قومی!

## دولت‌سازی

دولت توسط «شیادان/عوامگرایان» یا «شهروندان/عدالتخواهان» ساخته می‌شود:

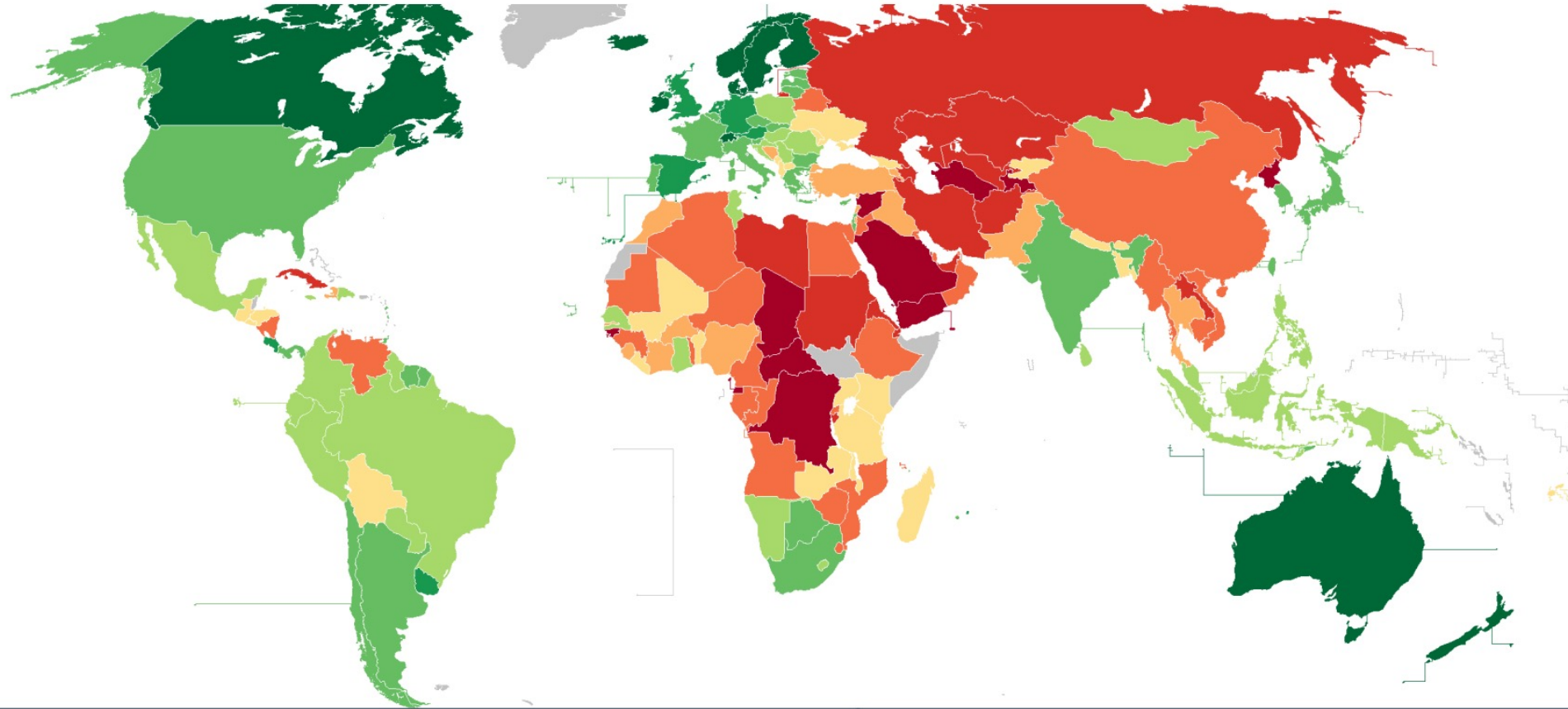
\* شیوه‌های دیکتاتوری/کلاسیک: توسط شیادان/عوامگرایان بر بنیاد «زور/تقلب» و «نیاز حاکمان»؛

\* شیوه‌های دموکراتیک/مُدرن: توسط شهروندان/عدالتخواهان بر بنیاد «عدالت» و «نیاز شهروندان»؛



عدالتخواهان/شهروندان → مبارزه بی‌پایان/برگشت‌پذیر ← عوامگرایان/شیادان

# معیار ارزیابی نظام‌ها: اکونومیست (دموکراسی، نیمه دموکراسی، نیمه دیکتاتوری، دیکتاتوری)



| The Economist        | Intelligence Unit |
|----------------------|-------------------|
| معیارهای ارزیابی     |                   |
| * انتخابات/کثرتگرایی |                   |
| * کارکرد حکومت       |                   |
| * مشارکت سیاسی       |                   |
| * فرهنگ سیاسی        |                   |
| * آزادی های مدنی     |                   |

The Economist Intelligence Unit Democracy Index map for 2018

| Full democracies | Flawed democracies | Hybrid regimes | Authoritarian regimes |
|------------------|--------------------|----------------|-----------------------|
| 9.01–10          | 7.01–8             | 5.01–6         | 3.01–4                |
| 8.01–9           | 6.01–7             | 4.01–5         | 2.01–3                |
|                  |                    |                | 0–2                   |

| Type of regime        | Score (s)      | Number of countries | Percentage of countries | Percentage of world population |
|-----------------------|----------------|---------------------|-------------------------|--------------------------------|
| Full democracies      | $8 < s$        | 20                  | 12.0                    | 4.5                            |
| Flawed democracies    | $6 < s \leq 8$ | 55                  | 32.9                    | 43.2                           |
| Hybrid regimes        | $4 < s \leq 6$ | 39                  | 23.4                    | 16.7                           |
| Authoritarian regimes | $s \leq 4$     | 53                  | 31.7                    | 35.6                           |

پیشینه واژه‌های افغان و افغانستان

## تمام اسناد و منابع تاریخی نشان می دهد که:

- \* واژه «افغان» پیشینه حدود ۱۰۰۰ ساله (به اساس حدودالعالم) دارد؛
- \* واژه «افغانستان» در کوههای سلیمان پیشینه حدود ۷۰۰ ساله (به اساس تاریخنامه هرات) دارد؛
- \* نام های «نخستین قبایل افغانی» پیشینه حدود ۶۰۰ ساله (به اساس آثار دوره امیر تیمور) دارد؛
- \* «نام های قبایل امروزی افغان» پیشینه حدود ۵۰۰ ساله (به اساس بابرنامه) دارد؛
- \* «ادبیات افغانی» و واژه «پتان» پیشینه حدود ۴۵۰ ساله (به اساس خیرالبیان و اسرارالافغانه) دارد؛
- \* واژه های «پشتو/پشتون» پیشینه حدود ۴۰۰ ساله (به اساس مخزن الاسلام) دارد؛
- \* واژه «افغانستان» به عنوان نام کشور ما پیشینه حدود ۱۰۰ ساله (از اعلان استقلال در ۱۹۱۹ و معاهده با بریتانیه) دارد؛
- \* قبایل مختلف «افغان/پشتون» منشای قومی گوناگون (هندی، یهودی، قبطی، هونی، ترکی، مغولی، ارمنی، تاجیکی و غیره) دارند.

## پیشینه تاریخی – جغرافیایی سرزمین‌های ما

● امپراتوری‌ها و شاهنشاهی‌ها در سرزمین‌های ما (ایران/خراسان):

مادها، هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان، ساسانیان، کوشانیان، هفتالیان، عربان، طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان، خوارزم شاهیان، غوریان، مغولان، تیموریان، صفویان، مغولان، غلجیان، ابدالیان؛

● حکومت‌های «قوی مرکزی»، اما بدون «ساختار متمرکز»:

هر ایالت/منطقه از «استقلال داخلی» سنتی برخوردار بود و هویت، زبان، فرهنگ و دین قوم/قبیله حاکم (به استثنای دوره سلطه اعراب) بالای دیگران «تحمیل» نمی‌شد!

تا زمان عبدالرحمن مناطق بدخشان، بلخ، فاریاب، هزارستان، کافرستان و غیره قسماً به گونه مستقل و نیمه مستقل زندگی داشتند [یا در نهایت به حاکمیت‌های قوی‌تر از خود «باج» می‌دادند (خراج، خطبه و سکه)]!

## اول – پیشینه واژه افغان و گسترش آن‌ها

تمام منابع و آثار موجود در مورد واژه/نام «افغان» را می‌توان به ۸ هشت دوره تقسیم کرد:

**دوره اول –** شامل منابع دوره سامانیان، غزنویان، غوریان و آل کرت در سده های ۱۰ الی ۱۴ است که در آنها از «افغان» ها بصورت عام یاد شده (واژه «افغان» بار نخست در حدود العالم، ۹۸۲ ذکر شده) که در گستره «کوه های سلیمان» یا «افغانستان» آن روزگار زندگی داشتند و (به قول البیرونی) از نژاد هندوان اند. در این آثار از سرکوب و مطیع سازی آنها توسط غزنویان، غوریان و آل کرت هرات در کوه های سلیمان (واقع در پاکستان امروزی) یاد شده است.

**دوره دوم –** شامل منابع دوره آل مظفر در سده های ۱۴ و ۱۵ است که در آنها از «افغان های مغول» در کرمان ایران و شورش آنها به مقابل آل مظفر در سده ۱۴ یاد شده تا اینکه داستان آنها با سقوط آل مظفر توسط امیر تیمور به پایان رسیده است (از مناسبات این «افغان های مغول» با «افغان های کوه های سلیمان» چیزی نمی‌دانیم).

**دوره سوم –** شامل منابع دوره امیر تیمور گورکانی در سده ۱۵ است که در آن ها برای بار اول نام چند قبیله افغانی (ورکونی، پر نیانی، کرکس و کلاتیان) در کوه های سلیمان و سرکوب آنها توسط امیر تیمور و هم اسکان ۳۰۰ کس از قشون، سه اعلان جوجی نژاد و ۴۰۰ خانواده اوزبک در آن کوه ها ذکر شده است (از سرنوشت این قبایل افغانی و ناقلین مغول/اوزبک چیزی نمی دانیم).

**دوره چهارم –** شامل منابع دوره بابر در سده ۱۶ است که در آن ها برای بار نخست از قبایل امروزی افغان (غلجی، بنگش، خوگیانی، توری، مهمند، دلزاک، یوسف زی، محمدزی، افریدی، وزیری و غیره) و سرکوب آن ها در کوه های سلیمان و وادی کابل-پشاور توسط بابر یاد شده و نام زبان آن ها «افغانی» گفته شده است.

**دوره پنجم –** شامل منابع دوره مغولان هند در سده های ۱۶ الی ۱۸ و نشان دهنده ایجاد نخستین ادبیات زبان «افغانی/پشتو» و تاریخ سازی برای منشای افغان ها و قبایل مختلف آن ها (اسرایلی، قبطی، عربی و غیره) است.

**دوره ششم – شامل منابع دوره به قدرت رسیدن غلجی ها در قندهار/اصفهان (به ویژه سقوط صفویان در ۱۷۲۲) و ابدالی ها در قندهار/کابل (پس از قتل نادر افشار در ۱۷۴۷) در سده ۱۸ است.**

**دوره هفتم – شامل منابع دوره زوال ابدالی ها، ایجاد ملوک الطوایفی، آغاز بازی بزرگ در بین برتانیه و روسیه (لشکرکشی برتانیه به کابل در ۱۸۳۹ و ۱۸۷۹) و ایجاد «منطقه/دولت حایل» در میان هند برتانوی و روسیه تزاری در سده ۱۹ است.**

**دوره هشتم – شامل منابع دوره ایجاد کشور افغانستان در اواخر سده ۱۹ [«مرزبندی» کشور در زمان عبدالرحمن (۱۸۸۰ – ۱۹۰۱)] و اوایل سده ۲۰ [«اعلان استقلال» توسط امان الله (۱۹۱۹ – ۱۹۲۹)] است.**

**برای نخستین بار با نشر مقاله محمود طرزی زیر نام «زبان افغانی اجداد زبان ها و قوم افغان اجداد اقوام آریایی» در «سراج الاخبار» ۱۹۱۳ (زمان امیرحبیب الله)، تخم برتری «قومی-زبانی افغان/پشتون» کاشته می شود و پروسه «افغان-سازی، پشتون-سازی و پشتو-سازی» ادامه می یابد.**

## دوم – پیشینه واژه افغانستان و گسترش آن

تمام منابع و آثار در مورد واژه/نام «افغانستان» را می توان به ۳ دوره تقسیم کرد:

### دوره اول – افغانستان یعنی نواحی کوههای سلیمان در پاکستان امروزی (از ۱۳۲۱ تا ۱۸۱۵)

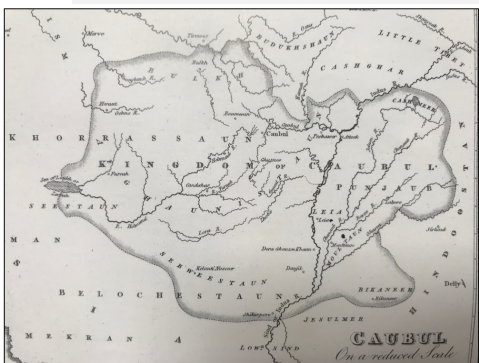
واژه افغانستان بار نخست در تاریخنامه هرات (۱۳۲۱) شامل گستره کوههای سلیمان است؛ مرکز آن مستونگ (شهری در جنوب کویت/پاکستان امروزی) و ملک های آنها «گُرد» هاست. ملک شمس الدین کرت مطابق فرمان منکوخان در سال های ۱۲۵۰ از هرات (پایتخت آل کرت) به ولایت افغانستان (مستونگ و قلعه های مستحکم آنها در کوه های سلیمان تا رود سند) لشکر کشیده و افغانستان تا رود سند را تابع قلمرو آل کرت هرات می سازد.

نام/واژه «افغانستان» پس از تاریخنامه هرات (۱۳۲۱)، در تاریخ های زیادی (تا اوایل سده نهم) با همان مفهوم سابق، یعنی گستره «کوههای سلیمان» ذکر شده که شامل کابل، غزنی و قندهار نیست.





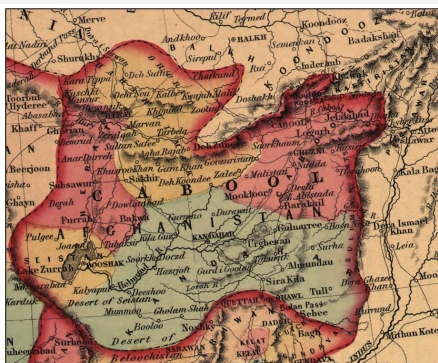
با پیشروی روسیه از شمال، بازی بزرگ در بین برتانیه/روسیه آغاز می‌شود و تاریخ منطقه را رقم می‌زند: برتانیه دو بار به کابل لشکر می‌کشد (در ۱۸۳۹ با نصب شجاع الملک و دوست محمد در ۱۸۴۲ و در ۱۸۷۹ با نصب یعقوب خان و عبدالرحمن خان در ۱۸۸۰) تا از نفوذ روسیه جلوگیری نموده و یک منطقه/دولت حایل با روسیه ایجاد کند (واژه افغانستان در جریان این سده به مفهوم «جنوب هندوکش یا کابل و قندهار» وارد آثار دانشمندان اروپایی می‌شود: نقشه‌ها (در «کشور کابل»!، مقالات/کتابها و معاهدات):



۱۸۱۵



۱۸۲۸



۱۸۵۷

\* معاهده با کامران به نام «شاه هرات» در ۱۸۳۹؛

\* معاهده با دوست محمد به نام «والی/حاکم کابل و مناطق افغانستان که در اختیار او است» در ۱۸۵۷؛

\* معاهده با یعقوب خان به نام «امیر افغانستان و متعلقات آن» در ۱۸۷۹؛

\* معاهده با عبدالرحمن خان به نام «امیر افغانستان و متعلقات آن» در ۱۸۹۳ (مرز دیورند)؛

\* معاهده با حبیب الله خان به نام «شاه افغانستان و متعلقات آن» در ۱۹۰۵؛

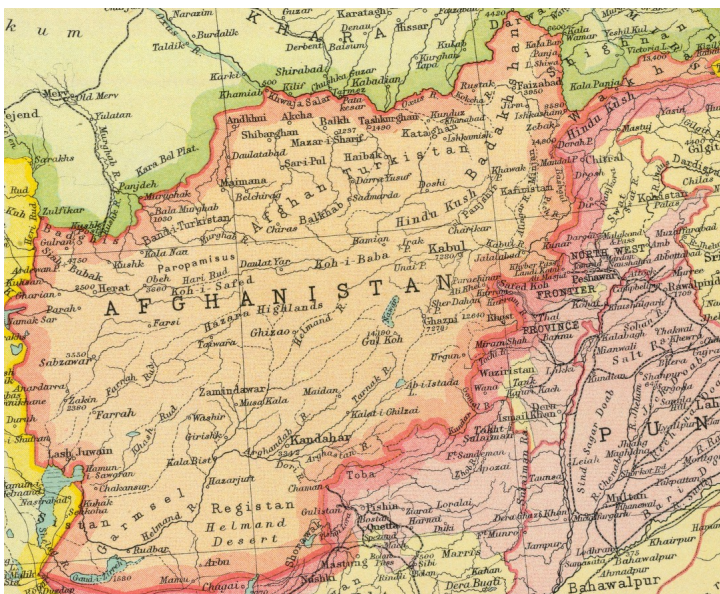
امیرحبیب الله حتی در «سراج التواریخ» خودش (۱۹۱۳) به نام «پادشاه افغانستان و ترکستان متعلقه آن» نامیده شده است.

## دوره سوم – افغانستان یعنی نام عمومی کشور پس از اعلان استقلال (از ۱۹۱۹ تا کنون)

\* معاهده صلح (و استقلال) راولپندی با نماینده امان الله به نام «**حکومت افغانستان**» در ۱۹۱۹؛

\* ایجاد نهاد های دولتی (قوای اجراییه، قضاییه و مقننه)، تقسیمات اداری کشور، قوانین (نظامنامه ها) و...

به این ترتیب، پسوند های «متعلقات – Dependencies» و «ترکستان» از آن حذف شده و واژه «افغانستان» نام عمومی کشور شده است!



وقتی که نام افغانستان به مفهوم جنوب هندوکش (کابل و قندهار) در منابع انگلیسی یاد می شد، این سرزمین ها در منابع داخلی و توسط مردم آن با کدام نام ها نامیده می شدند؟

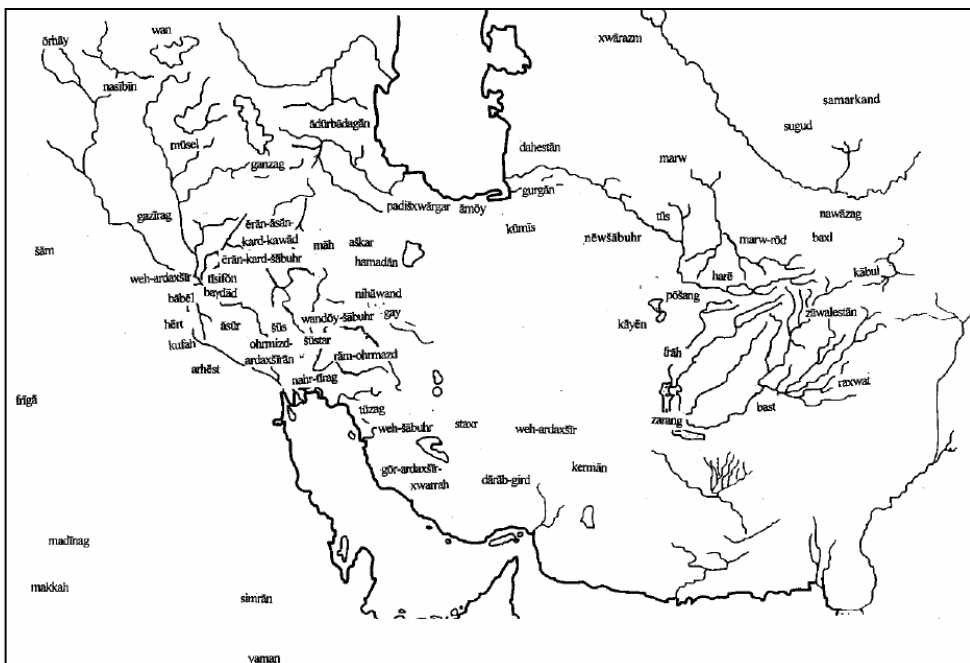
برای پاسخ به این سوال باید «پیشینه واژه خراسان» را مطالعه کنیم!

پیشینه واژه خراسان

## دوره پیش از اسلام

واژه خراسان بار اول در اواخر سده پنجم (حوالی ۵۰۰ م) به عنوان بزرگ ترین حوزه (کوست) به مناطق شمال شرق قلمروی «ایران‌شهر» ساسانیان (سمرقند، سغد، خوارزم، بلخ، مرو، هرات، توس، نیشاپور، گرگان و...) و «نیمروز» به مناطق جنوبی آن (کابل، بست، فراه، زابلستان، زرنج، کرمان و...) در اثر مشهور «شهرستان های ایران‌شهر» استفاده شده است.

\* همچنان گفته میشود که شاهان یفتلی (420 - 567 م) نیز در همین سده، خود را "خراسان خوتای" خوانده اند و این لقب را در مسکوکات خود بکار برده اند.



## دوره پس از اسلام

### منابع عربی (سده های 3 و 4 ق):

\* **تقسیم جهان** در بین 3 پسر فریدون: شرق (ترک و چین) به تور، غرب (روم و مصر) به سلم و میانه (ایران، ایرانشهر) به ایرج.

\* **تقسیم ایران** به 4 سپهبد: شرق (خراسان)، غرب (خربران)، شمال (آذربایجان) و جنوب (نیمروز). تمام این ولایات یک مملکت بود، یک پادشاه و یک زبان داشت (با لهجه های متفاوت)؛ چون پهلوی، دری، آذری و دیگر زبانهای پارسی. پایتخت شان در بلخ قرار داشت و بعد به مداین عراق انتقال گردید.

\* **تقسیم خراسان** به 4 مرزبان: مروشاهجان، بلخ و طخارستان، هرات و سجستان، ماورالنهر (بلخ پایتخت و وسط خراسان پنداشته میشود که تا فرغانه، خوارزم، ری {تهران}، کرمان، سیستان، کندهار، ملتان، کابل و کشمیر 30 منزل فاصله دارد).

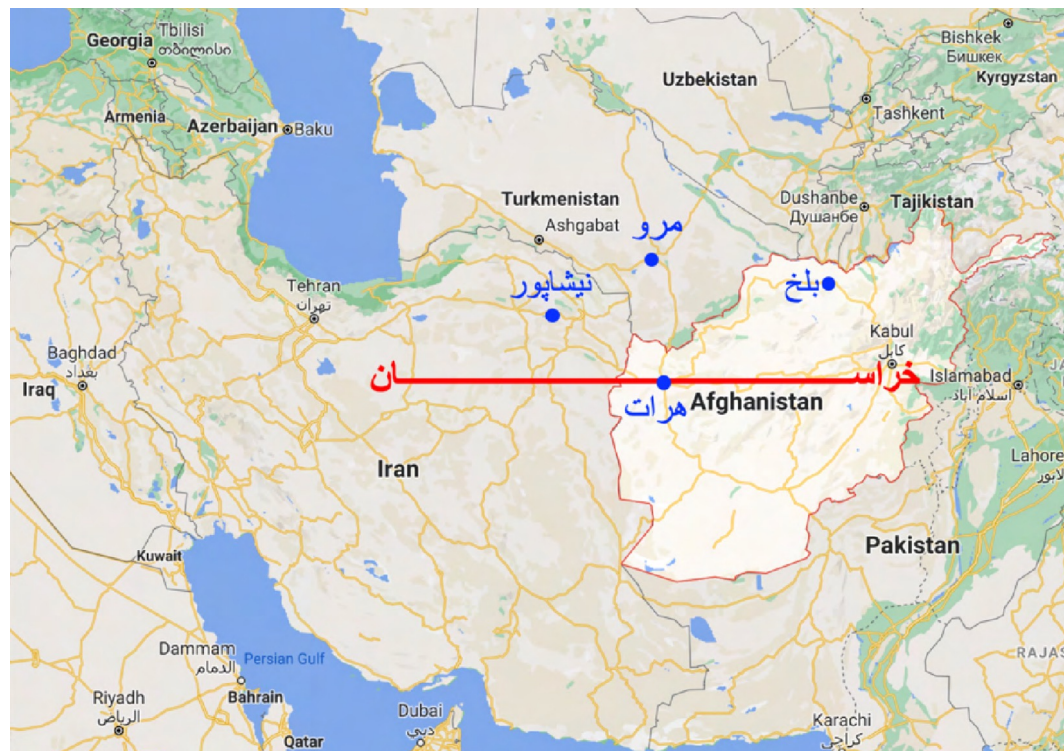
\* **تقسیم خراسان** به 4 شهر (اصطخری، ابن حوقل و مقدسی: 345-375 ق): مرو، بلخ، هرات و نیشاپور (جدا ساختن قسمی ماورالنهر، خوارزم و سجستان از محدوده خراسان).



قلمرو خراسان (پس از سده دهم) با چهار شهر مشهور شناخته می‌شود (که از تهران تا بدخشان و از رود سند تا آسیای میانه گسترش دارد): بلخ، هرات، مرو و نیشاپور.

### البلدان یعقوبی (۸۹۱ م)

بلخ شهر بزرگ تر خراسان است و پادشاه خراسان شاه طرخان در آنجا منزل داشت... شهر بلخ وسط خراسان است، چنان که از آنجا تا فرغانه سی منزل بطرف مشرق است و از آنجا تا ری سی منزل بطرف مغرب. از آنجا تا سیستان سی منزل بطرف قبله و از آنجا تا کابل و قندهار سی منزل، و از آنجا تا کرمان سی منزل و از آنجا تا کشمیر سی منزل، و از آنجا تا خوارزم سی منزل و از آنجا تا ملتان سی منزل.



## منابع پارسی:

### رودکی سمرقندی ۹۴۰ در مورد سامانیان

نه کس بدند ز آل سامان  
اسماعیل است و احمدی و نصری  
دایم به امارت **خراسان** مشهور  
دو نوح و دو عبدالملک و دو منصور

### عنصری بلخی ۱۰۴۰ در مورد محمود غزنوی

خورشید **خراسان** و خدیو زابل  
ارنخشب و کش بهار گردد کابل

### ناصر خسرو بلخی ۱۰۶۰

سلام کن ز من ای باد، مر **خراسان** را  
خاک **خراسان** چو بود جای ادب  
گرچه مرا اصل **خراسانی** است  
مرا مکان به **خراسان** به یمگانست  
مر اهل فضل و خرد را، نه عام و نادان را  
معدن دیوان ناکس اکنون شد  
از پس پیری و مهی و سری  
کسی چرا طلبد در سفر خراسان را

### مولوی ۱۲۷۳ (مغولان)

از **خراسانم** کشیدی تا بر یونانیان  
تا در آمیزم بدیشان تا کنم خوش مذهبی

### جامی ۱۴۸۵ (تیموریان)

هر جا که رفت زورق حافظ به بحر شعر  
نظم تو می رود ز **خراسان** به شاه فارس  
جامی سفینه تو ز دنبال می رود  
گر شعر او از فارس به بنگاله می رود

### امیرعلی شیر نوایی ۱۴۹۰ (تیموریان)

در **خراسان** نتوان گفت کس خرم نیست  
کس در روی زمین یافت نشود خرم کو

بابرنامه ۱۵۳۰: هندوستانی غیر هندوستانی را **خراسانی** می گوید. آن چنان که عرب، غیر عرب را عجم می نامد!

احمدشاه درانی در «بنای شهر جدید قندهار - ۱۷۴۷»،

دمی که شاه شهامت مدار احمدشاه  
جمال ملک خراسان شد این تازه بنا  
باستواری همت بنای شهر نهاد  
ز حادثات زمانش خدا نگه دارد

در مهر و سکه احمدشاه درانی: مژده که شد پادشاه میر جهان پهلوان احمد گیتی ستان، وارث تخت کیان

تیمورشاه در «تاج گذاری - ۱۷۷۲»،

کابل امروز به آیین کیان جشن گرفت  
که نهد تاج بسر شاه خراسان امروز

شاه شجاع در تاریخ «واقعات - ۱۸۳۵» خود؛

از احمدشاه تا شاه شجاع در «تاریخ احمد - ۱۸۵۰»؛

شاه شجاع و امیر دوست محمد در تاریخ «نوای معارک - ۱۸۵۵»؛

امیر محمد افضل در «مهر - ۱۸۶۶» خود

دو فوج مشرق و مغرب ز هم مفصل شد  
امیر ملک خراسان محمد افضل شد

اعظم خان در «گلشن امارت - ۱۸۷۰» (در مورد مرگ اعظم خان در بسطام)،

یارب بحق شاه خراسان امیر آن  
فغفر له بفضلک یا منشق القبور

## امیر شیرعلی در تاریخ «گلشن امارت - ۱۸۷۰» و «سنگنبشته آرامگاه پسر خود - ۱۹۰۴» شاهان، امرا و حاکمان «خراسان» نامیده شده اند!

حشمت و شوکت پناه شهزاده عالی تبار  
اسم پاکش سردار محمد ابراهیم خان عالیجناب  
حکم کرد در شهر کابل، غزنین و هم ملک هرات  
جد امجد امیردوست محمد وصف شان بی حد بود

مالک ملک **خراسان** والی ذوالاقتدار  
والدش امیرشیرعلی مسند نشین تاجدار  
نیز جلال آباد و ترکستان و کرم و بلخ و قندهار  
باج از قیصر گرفتی آن امیر هوشیار

آن گونه که **خارجی ها** «ایران» را تا ۱۹۳۵ «پارس» می نامیدند، نام «افغانستان» یا کوههای سلیمان را در ۱۸۱۵ بر بخشی از خراسان (کابل و قندهار) گذاشتند تا این که در ۱۹۱۹ نام عمومی کشور شد!

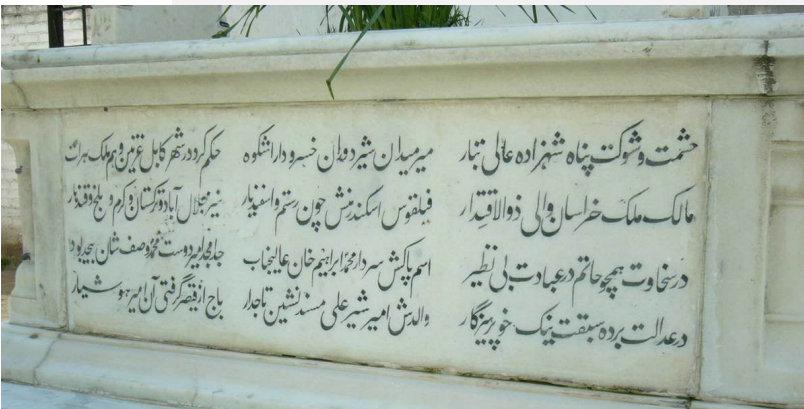
**بیلیو در دو اثر خود در ۱۸۸۰ و ۱۸۹۱ می گوید:**

**مردمان این سرزمین، کشور خود را «خراسان» گویند، اما خارجی ها آن را «افغانستان» نامیده اند!**

پس از اعلان استقلال افغانستان توسط امان الله (در ۱۹۱۹)، پسوند های «متعلقات» و «ترکستان» حذف شده و واژه «افغانستان» نام عمومی کشور گردید!

**و به این ترتیب خراسان، افغانستان شد!**

در حالی که در «تاریخ احمدشاهی - ۱۷۷۳» و «تاریخ حسین شاهی - ۱۷۹۸» واژه «افغانستان» وجود ندارد!



روند دولت-ملت سازی در افغانستان

(پیشینه مرض)

جغرافیای افغانستان در زمان عبدالرحمن (۱۸۸۰-۱۹۰۱) مرزبندی شد:

عبدالرحمن پدر دولت سازی («متمرکزسازی») در افغانستان است!

استقلال افغانستان در زمان امان الله (۱۹۱۹-۱۹۲۹) اعلان شد:

امان الله مادر ملت سازی («افغان سازی») در افغانستان است!

### «پشتون/پشتو سازی» در زمان ظاهرشاه آغاز شد!

|                                        |                              |
|----------------------------------------|------------------------------|
| قوم من ! ای توده والا نژاد             | وی نیاکان غیورت مردو راد     |
| باتو دارم گفتگوی محرمی                 | تا ز اسرار حیات اگاه شوی     |
| بشنوای <u>پشتون</u> باصدق وصفا         | حافظ کهسار و قلب اسیا        |
| گربزرگی خواهی و ازادگی                 | یا چو اسلاف غیورت زندگی      |
| <u>اولا</u> <u>پشتو</u> لسانت زنده ساز | هم بر این شالوده کاخت برفراز |
| تاتوانی تکیه بر شمشیر کن               | قصر ملت را بر ان تعمیرکن     |

( عبدالحي حبيبي مدير طلوع افغان ، میزان سال ۱۳۱۷ ش )

## فاشیزم چیست؟

### تفاوت فاشیزم هتلری و فاشیزم افغانی

\* فاشیزم اندیشه «برتری خواهی» یا «تفوق طلبی» بر بنیاد نژاد/قوم، زبان/فرهنگ، دین/مذهب و غیره است!

\* فاشیزم می تواند دولتی، سازمانی، گروهی یا فردی باشد؛

\* اندیشه های فاشیستی در سطح افراد و گروهها، حتی در پیشرفته ترین کشورها وجود دارد (که زیاد مهم نیست!)، اما ارتقای این اندیشه ها در سطح «احزاب سیاسی» و به ویژه «قدرت/اقتدار دولتی» منجر به فاجعه اجتماعی برای جامعه/بشریت می شود!

\* **فاشیزم هتلری**، فاشیزم دولتی بود که (با زبان و فرهنگ پیشرفته و دانش و فناوری علمی) خواهان برتری نژادی خود (آریایی) و الحاق سرزمین های دیگران بود؛ اما در پی تحمیل هویت خود و مخالف علم و دانش و زبان و فرهنگ دیگران نبود.

\* **فاشیزم افغانی**، فاشیزم دولتی است که (با زبان و فرهنگ عقب مانده و «مظلومیت نمایی»: شکوه از حاکمیت زبان و فرهنگ پارسی) بر علاوه برتری خواهی قومی-زبانی خود (افغان/پشتون) و الحاق سرزمین های دیگران، در پی تحمیل «هویت قبیلوی» خود (نابودی زبان و فرهنگ دیگران) و مخالف علم/دانش و فرهنگ/تمدن بشری بوده و جامعه/کشور را به قرون وسطا سوق می دهد!

## روند ملت سازی در کشور: ۱. افغان سازی

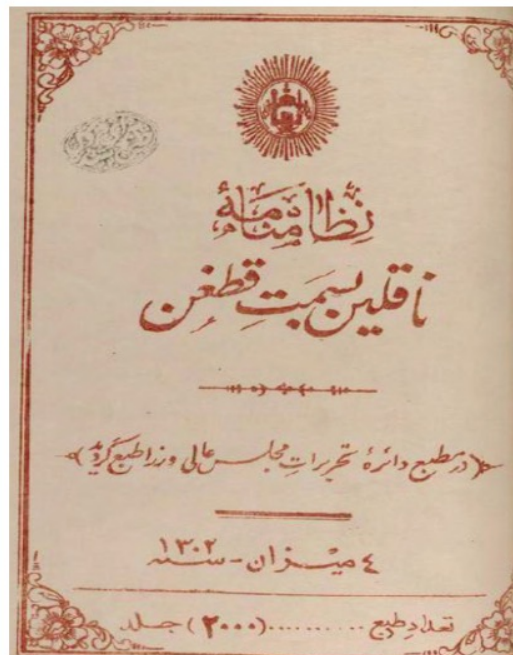
**دوره امیر حبیب الله (۱۹۰۱ - ۱۹۱۹):** محمود طرزی در سراج الاخبار ۱۹۱۳:

«زبان افغانی اجداد زبان ها و قوم افغان اجداد اقوام آریایی است» (ترکهای جوان/پانترکیزم: «ترکیه تنها از آن ترکان است»!)

**ظهور اندیشه افغانیزم (برتری قومی - زبانی افغان)**

**دوره امیر امان الله (۱۹۱۹ - ۱۹۲۹):** «نظامنامه ناقلین به سمت قطغن»، تبدیل پول از «روپیه کابلی» به «افغانی» و نوشتن نخستین «تاریخ/تاریخچه افغانستان»!

**نخستین گام های عملی**



\* افغان ها تا دوره امیرامان الله «نَسَب قبیلوی» خود را «هویت قومی» خود می دانستند و خود را با آن معرفی می کردند (نه افغان/پشتون): مانند درانی، غلجایی، محمدزی، توخی، وزیري، خوگیانی و...

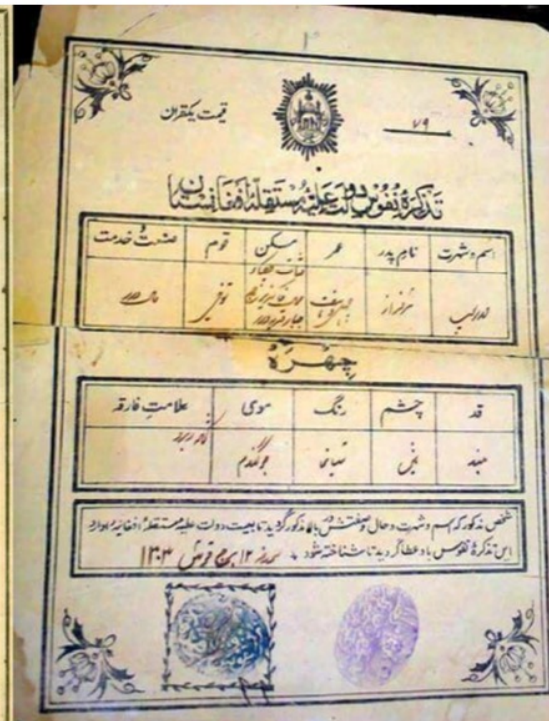
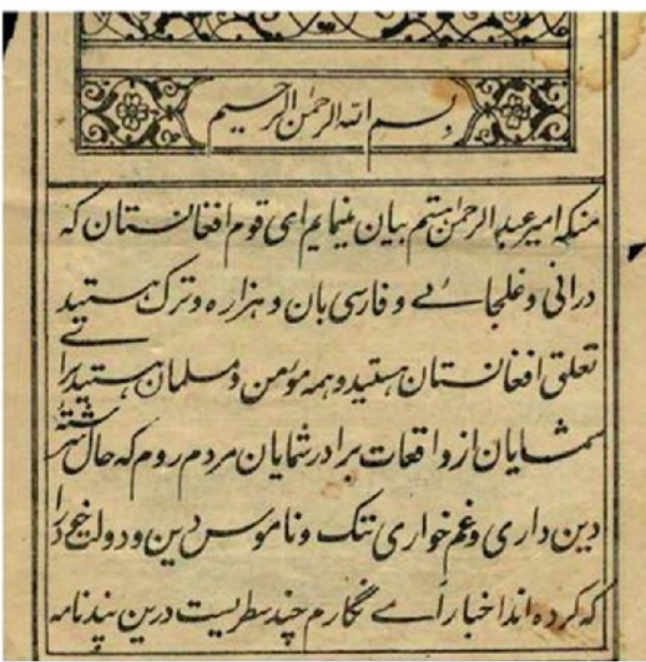
نسب قبیلوی = هویت قومی

\* پند نامه امیر عبدالرحمن (۱۹۰۰)؛

\* تذکره/شناسنامه امیرامان الله (۱۹۲۱) و دیگران؛

\* منار علم و جهل دهمزنگ/کابل (شهادی جنگ استقلال، ۱۹۲۵)؛

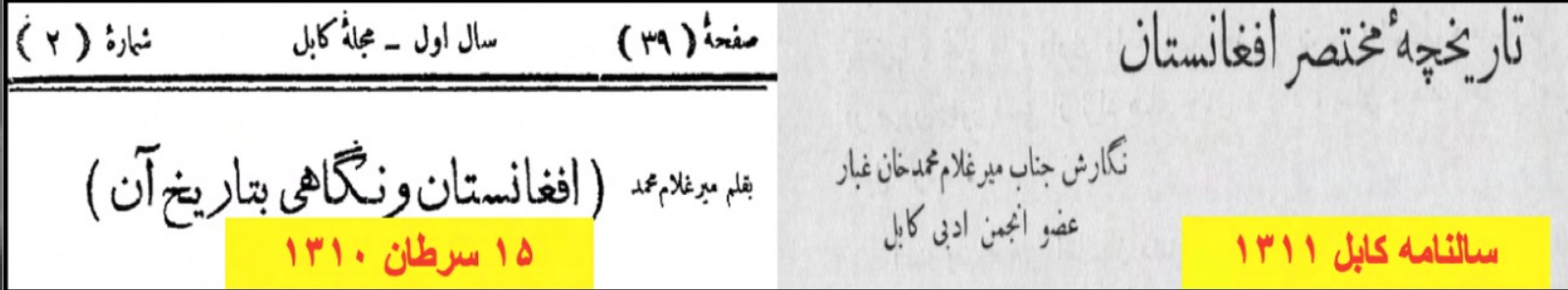
\* به گمان غالب، نام «افغان» توسط پارسیان بر آنها گذاشته شده و اصطلاح قوم «افغان» یا «پشتون» در بین آنها معمول نبوده است (چنانچه در هند نیز به نام «پتان» نامیده شده اند)!



دوره امیرحبیب الله کلکانی (۱۹۲۹): حکومت ۹ ماهه تاجیک ها

**دوره نادرشاه (۱۹۲۹ - ۱۹۳۳):** ایجاد «انجمن ادبی کابل» و رسالات غبار «افغانستان و نگاهی به تاریخ آن» در ۱۹۳۱ و «تاریخچه مختصر افغانستان» در ۱۹۳۲: افغان نامیدن سامانیان، غزنویان و... پیشینه تاریخی چند هزار ساله برای «کشور افغانستان»!

## ۲. تاریخ سازی برای افغان و افغانستان



## ۳. پشتو/پشتون سازی

**دوره ظاهرشاه (۱۹۳۳ - ۱۹۷۳):** (صدارت هاشم خان ۱۹۲۹ - ۱۹۴۶)

\* تبدیل زبان «افغانی» به «پشتو» در ۱۹۳۵ (فرمان تعمیم زبان پشتو)؛

\* ایجاد «پشتو تولنه» و «انجمن تاریخ» (برای «تاریخ سازی»)

تحمل هویت قومی، زبانی و فرهنگی قبیله هتلر «نژاد آریایی»

\* **افغان - سازی** اقوام (تاجیک، هزاره، اوزبیک و غیره)؛

\* **پشتون - سازی** قبایل پشتو زبان (اکثریت سازی افغان/پشتون ها)؛

\* **پشتو - سازی** زبان کشور (پول، شناسنامه، گذرنامه، سرود، بیرق، تبدیل نام های محلات و حذف زبان پارسی)!

پروژه تبدیل نام زبان از افغانی به پشتو در دوره ظاهرشاه:

ظاهرشاه (۱۹۳۵)

امیرامان الله (۱۹۲۱)

امیرحبیب الله (۱۹۱۷)



## توصیه عبدالحی حبیبی به شاه جوان (ظاهرشاه) در ۱۹۳۸

\* اختراع «تذکره الاولیاء سلیمان ماکو» در ۱۹۴۰ و

«پته خزانہ محمد هوتک» در ۱۹۴۳ توسط حبیبی  
(در مقابله با پیشینه زبان پارسی و اعتراف در ۱۹۵۱ در پاکستان)؛

برنامه دولت/ملت - سازی بر پایه «شمشیر» هاشم خان

\* به رسمیت نشناختن پاکستان و مرز دیورند (۱۹۴۷)؛

\* «لغو معاهدات پیشین» در جرگه ۱۹۴۹ و

\* «ادعای ارضی بر نیم خاک پاکستان»؛

\* تبدیل «پارسی» به «دری» (در قانون اساسی ۱۹۶۴)؛

\* «هر کس از افغانستان است، افغان است»؛

\* اختراع «مصطلحات ملی»:

(پوهنتون/دانشگاه؛ پوهنزی/دانشکده؛

دانشجو/محصل، دادگاه/محکمه،

شهرداری/شاروالی و...

عدم کاربرد «واژه های ایرانی»!

دوره داود (۱۹۷۳ - ۱۹۷۸): تداوم...

قوم من ! ای توده والا نژاد

باتو دارم گفتگوی محرمی

بشنوای پشتون باصدق وصفا

گریزگی خواهی و ازادگی

اولا پشتو لسانت زنده ساز

تاتوانی تکیه بر شمشیر کن

وی نیاکان غیورت مردو راد

تا ز اسرار حیات آگاه شوی

حافظ کهسار و قلب آسیا

یا چو اسلاف غیورت زندگی

هم بر این شالوده کاخت برقرار

قصر ملت را بر ان تعمیرکن

( عبدالحی حبیبی مدیر طلوع افغان ، میزان سال ۱۳۱۷ ش )



## ۴. تاریخ سازی برای پشتو

من نمیدانم خاندانی که اجدادشان بنیانت و وطن فرشی از خاک افغانستان زاده شدند، و اولادشان در خاک دیره دون و هند پیدا و تربیه گویند  
و هنوز هم زبان تاریخی پشتو را آن موری خود نمی دانند و در روان صحبت کرده میتوانند، و در خانه های خود هندی گپ میزنند، و تا ویر در سبب خیانتهای خود از خاک  
افغانستان رانده شده بودند، بآن سوار غنچین و جینی پستی با سینه تاریخی، بگونه بختاک افغانستان صادق شدند؛ و لے، مثال مادم که عمری را در توبیر و فغان و  
غناات ملی و ادبی کشته عزیز صرف کرده ایم، و در بانی مرده نامرتب پشتو، ران زندگی ادبی و تاریخی بخشیده ایم، بعلت اینک ملت آواری و نگاری و چهره چپال  
مسلسل آلی می را انقاد میکنیم، از شرف افغانستان، و ولایت و ملت محروم شویم، بجای!

### پښتو تذکره الاولیاء

سلیمان ماکو

(۶۱۲ هـ ق تالیف)

سریرزه، سمون او نینلونی

پوهاند عبدالحی حبیبی

## تداوم افغانیزم/پشتونیزم: قومی-شدن سیاست و سیاسی-شدن قومیت (به شکل نیمه مخفی)

دوره کمونیست ها [ترکی، امین، کارمل (اشغال شوروی) و نجیب: ۱۹۷۸ – ۱۹۹۲]:

\* ایجاد و تجزیه احزاب «چپ» و «راست» بر بنیاد قومیت؛

\* دیکتاتوری کمونیستی (کشتار جمعی)؛ نخستین صدراعظم هزاره!

دوره مجاهدین (مجددی و ربانی: ۱۹۹۲ – ۱۹۹۶):

\* ایجاد هرج و مرج (حکومت ۵ ساله تاجیک ها)؛

\* تشدید جنگ توسط حکمتیار به خاطر جلوگیری از «استقرار حکومت تاجیک ها»؛

دوره طالبان (ملا عمر: ۱۹۹۶ – ۲۰۰۱):

\* دیکتاتوری مذهبی/قومی؛

\* استقرار دوباره فاشیزم دولتی (افغانیزم/پشتونیزم به شکل علنی)!

«زوال پشتون ها در افغانستان»،  
احدی (۱۹۹۵)

زوال پشتون ها در افغانستان،  
احدی (۱۹۹۵)

## دوره طالبان... تداوم فاشیزم دولتی

برنامه فاشیستی «سقاوی دوم» برای جلوگیری از سقاوی سوم (به قدرت رسیدن تاجیکان)

دویمه سقاوی

سقاوی اول: سقوط امان الله در ۱۹۲۹ توسط حبیب الله کلکانی «تاجیک»!

سقاوی دوم: سقوط نجیب الله در ۱۹۹۲ توسط مسعود/ربانی «تاجیک»!

\* پذیرش اکثریت بودن افغان/پشتون ها (که حدود ۶۰٪ اند و آن هم بدون «سرشماری»!)

\* پذیرش هویت افغانی/پشتونی دولت-ملت افغانستان (کشور افغان/پشتون هاست؛ دیگران «مهاجر» اند: تاجیک ها به تاجیکستان، اوزبیک ها به اوزبیکستان و هزاره ها به گورستان بروند)!

\* ساکن سازی افغانان در شمال کشور (برای جلوگیری از تجزیه توسط تاجیکان، اوزبیکان و...)

\* توزیع دشت های شمال کابل به افغانان برای تغییر ترکیب قومی و جلوگیری از تهاجم تاجیکان به شهر کابل (چون دولت افغان ها دو بار از همین مسیر سقوط داده شد)؛

\* تصفیه مردم پنجشیر از آن جا و توزیع آن برای افغانان؛

\* ساکن سازی افغانان در بامیان و سرحدات ایران برای جلوگیری از تعاملات ایران (با شیعیان)؛

\* سانسور تمام آثاری که از ایران وارد کشور می شود!

سمسور افغان



۱۳۷۷ ل

(۱۹۹۸)



# اشغال امریکا: دوره کرزی - احمدزی (۲۰۰۱ - ۲۰۲۱)، افغانیزم/پشتونیزم: برنامه «سقاوی دوم» (ترور/تطمیع) (اشتباهات بُن و پسا-بُن: «تسلیمی دولت و پذیرش ماموریت» توسط تاجیک ها)!

«خاطرات» رابرت گیتس وزیر دفاع امریکا (۲۰۱۴):

\* کرزی، طالبان را در شمال جاجا ساخت؛

\* کرزی در نشست محرمانه در ارگ از من خواست تا در تضعیف و از بین بردن سران جبهه شمال با او همکاری کنم؛

\* کرزی به من گفت: بزرگ ترین تهدید در برابر حکومت من جبهه شمال است، نه طالبان؛

\* کرزی گفت: دست مرا در تقویه طالبان باز بگذارید تا بتوانم از آن طریق تفنگ سالاران را از بین ببرم!

\* در جلسه بن (۲۰۰۱) کرزی بر بنیاد «افغانیت/پشتونیت» تحمیل شد!

\* در ماده ۶۴ قانون اساسی (۲۰۰۴) صلاحیت های «رئیس جمهور»  
معادل یک «دیکتاتور» و «غیرپاسخگو» است!

\* **افغان - سازی** اقوام (تاجیک، هزاره، اوزبیک و غیره)؛

\* **پشتون - سازی** قبایل پشتو زبان (اکثریت سازی افغان/پشتون ها)؛

\* **پشتو - سازی** زبان کشور (پول، شناسنامه، گذرنامه، سرود، بیرق، تبدیل نام های محلات و حذف زبان پارسی)!

\* رهایی طالبان (تعادل در زندان ها و بمباران ها)؛

\* تمرکز بخش های مالی/استخدامی ادارات در ارگ؛

\* «سهامیه بندی قومی» کاتکور؛

\* توزیع اجباری «شناسنامه افغان»؛

\* تجزیه سایر اقوام (۷۰) و اکثریت سازی پشتون ها؛

\* تصفیه غیرافغان ها از ادارات دولتی؛

\* تقویه طالبان و گسترش آنها در شمال؛

\* ترور و «آلوده سازی» سران و فرماندهان ایتلاف شمال؛

\* گسرش فساد و غارت ملیاردها دالر (مکتب/معلم/سرباز خیالی)؛

\* راه اندازی انتخابات های تقلبی/گوسفندی؛

\* تشدید پروسه تحمیل هویت قومی، زبانی و فرهنگی؛

\* حذف زبان فارسی از سرود، گذرنامه، ادارات دولتی و...

راه حل/برونرفت: تداوی مرض

(دولت-ملت سازی عادلانه/دموکراتیک)

## در دنیای علمی امروزی:

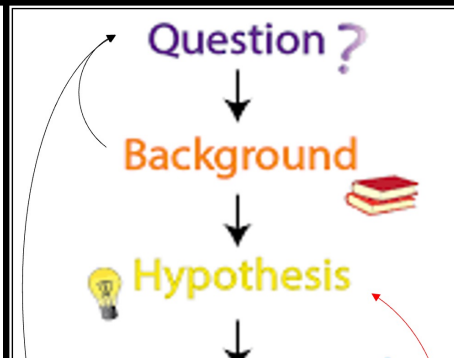
تقریبا در همه عرصه‌ها «رهنما، قاعده، شیوه، تجربه، نقشه و نمونه» ها وجود دارد؛

فقط آن‌ها را «به‌روز» و «بهینه‌سازی» کنیم؛

لازم نیست دوچرخه را از نو اختراع کنیم!

### The Scientific Method

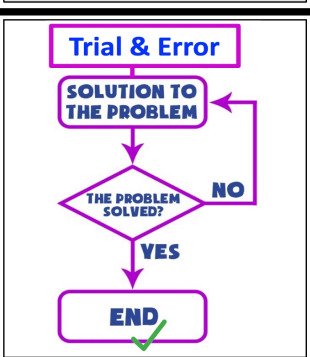
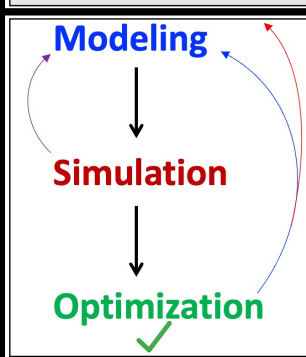
- \* طرح سوال/پرسش
- \* پیشزمینه (بررسی منابع)
- \* فرضیه‌ها
- \* تجربه (مشاهده/اندازه‌گیری)
- \* آزمون و خطا
- \* تجزیه/تحلیل/فرمولبندی
- \* مدل/شبیه/بهینه‌سازی
- \* نتیجه‌گیری



**مدل سازی:**  
ساختن مدل (فیزیکی شبیه اصل/کوچک/بزرگ؛ ریاضی، کمپیوتری و غیره) به منظور مطالعه عوامل یا دریافت متغیرهای اساسی و بهینه سازی آن؛

**شبیه سازی:**  
مطالعه (تختیکی، اقتصادی، محیطی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره) مدل یا راه‌اندازی آن با تغییر عوامل/متغیرهای اساسی و دریافت روابط یا اثرات هر یک از آنها بر یکدیگر؛

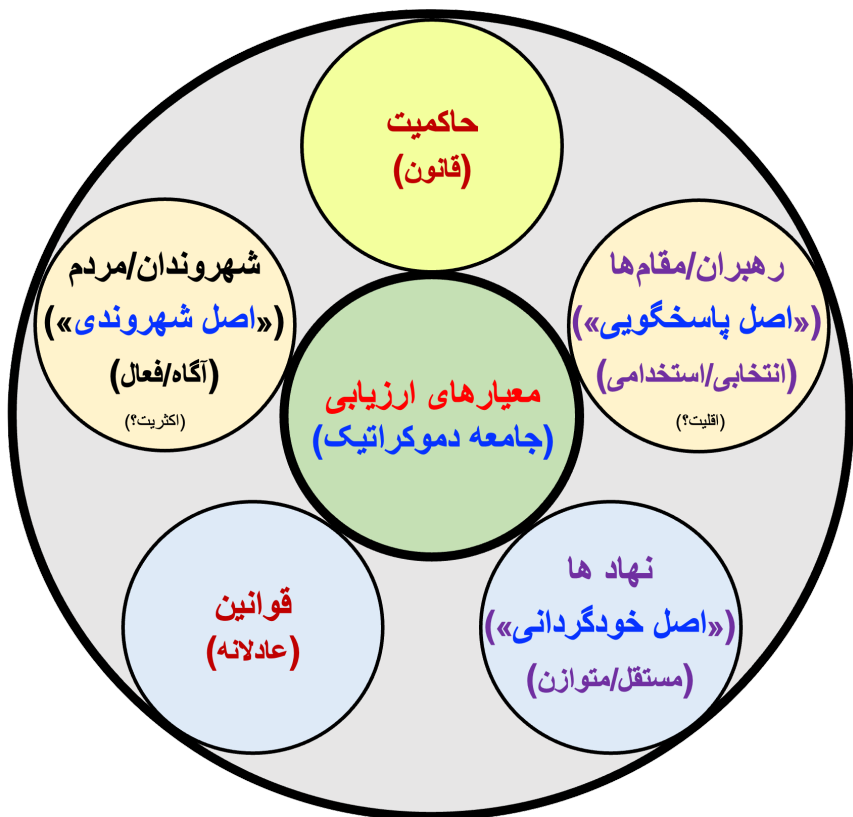
**بهینه سازی:**  
بهسازی مدل با اعظمی/اصغری‌سازی هر یک از متغیرها (و ثابت نگهداشتن سایرین) و دریافت نقطه/ساحه بهینه مدل (بهترین نتیجه) برای کاهش متغیرها (خطر، قیمت، موثریت، کنترل و غیره)!



There is Blueprint/Manual, almost for everything;

just update & optimise it!

## تشخیص (علایم) مرض: نظام (دولت-ملت) سازی: برتری خواهی (داخلی) و الحاق طلبی (خارجی)



● مشکلات داخلی (حاکمان ... دستگاه قدرت (ساختار/بافتار نظام) ... شهروندان):

◆ قوانین غیر عادلانه (رعیت محور: تبعیض/امتیاز قومی و حذف دیگران)؛

◆ ساختار متمرکز (تمرکز قدرت: نهادهای غیر مستقل/غیر متوازن)؛

◆ حاکمان غیر مسئول (غیر انتخابی/غیر پاسخگو)؛

◆ تاریخ سازی و دولت-ملت سازی قومی (افغان/پشتو/پشتون)؛

◆ حاکمیت فردی/قومی (به جای حاکمیت قانون).

● مداخلات خارجی (پاکستان):

◆ الحاق طلبی (ادعای ارضی بر نیم خاک پاکستان: «لوی افغانستان»).

با آنکه در ۱۰۰ سال گذشته، «نام نظامها» تغییر کرده است (شاهی، جمهوری، جمهوری دموکراتیک، دولت اسلامی، امارت اسلامی و جمهوری اسلامی)، اما «ماهیت» تمام آنها یکسان (سیاه) بوده است!

بنابراین، آنچه مهم است، «ماهیت نظام» هاست که در «قانون اساسی» کشور تسجیل می شود!

حال، دو راه حل وجود دارد:

اول (راه حل نظامی):

● ادامه برتری جویی و الحاق طلبی (توسط حاکمان) و انتقام جویی و خصومت (توسط محکومان) و...

ادامه جنگ و خونریزی!

دوم (راه حل سیاسی):

● اعتراف و پوزش خواهی (توسط حاکمان) و عفو و گذشت (توسط محکومان) برای «اعتماد سازی، گفتگو و تفاهم» جهت

دریافت دارو و درمان!

تا وقتی راه دوم انتخاب نشود، این دور باطل و زخم خونچکان (راه اول) ادامه خواهد یافت!

تا وقتی برتری جویی و الحاق طلبی وجود داشته باشد، مبارزه و مقاومت نیز ادامه خواهد داشت!

## مشکلات سیاسی دایمی جوامع

۱. مشکل نظام (تغییر ساختار/قانون)؛

۲. مشکل حاکم (تعویض حاکم)؛

۳. هر دو (نظام و حاکم)!

نظام عادلانه + حاکمیت قانون = جامعه دموکراتیک

## راه حل سیاسی (تداوی مرض)

۱. تدوین قوانین عادلانه (قانون اساسی = ماهیت نظام)

● حقوق شهروندان (سرنشینان: بر بنیاد ارزش‌های انسانی ۸ بلیون/جهان و ۳۰ ملیون/کشور):  
حقوق بشر، کثرت‌گرایی (احزاب سیاسی، جوامع مدنی و رسانه‌ها)، آزادی بیان/ادیان، نبود تبعیض/امتیاز (اصل شهروندی)؛

● ساختار نهادها (غیرمتمرکزسازی دستگاه قدرت بر بنیاد تجارب جهانی، ۲۰۰ کشور):  
توزیع افقی/عمودی قدرت (مستقل/متوازن) در مرکز و ولایات (اصل خودگردانی)؛

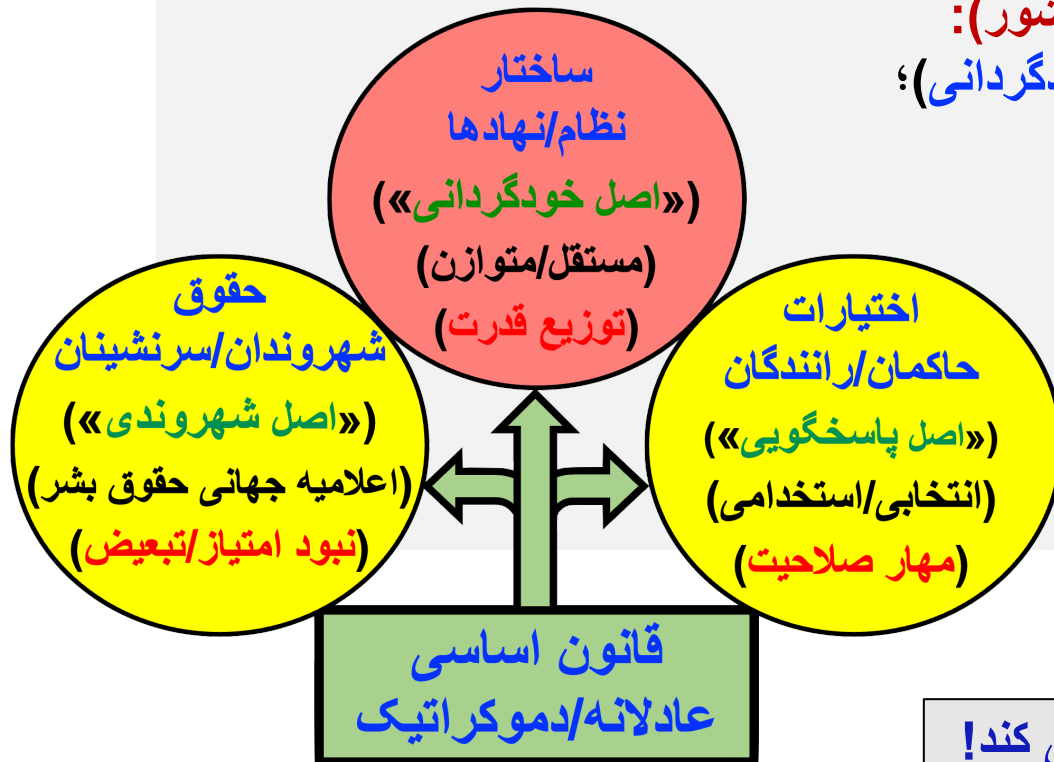
● اختیارات حاکمان (رانندگان پاسخگو):  
انتخاب رهبران و استخدام کارمندان (اصل پاسخگویی)؛

+ + +

● شناسایی مرزهای بین‌المللی: لغو ادعای ارضی (پاکستان)!

۲. تطبیق قوانین عادلانه (حاکمیت قانون = ماهیت حاکم)

در یک جامعه دموکراتیک مهم نیست کی حکومت می‌کند، بلکه چگونه حکومت می‌کند!



\* Follow the System,

\* Follow the Leaders!

نظام سیاسی  
(نهادهای + قوانین)

نیروهای محرکه

\* حاکمان/اراندگان  
\* شهروندان/سرنشینان

حاکمیت  
«قانون»  
(۲)

«نهادهای مستقل/متوازن»  
(مرکز/ولایات/محلات)

شفافیت

نظارت

احزاب سیاسی  
جوامع مدنی  
رسانه‌ها

دستگاه قدرت  
(نهادهای)

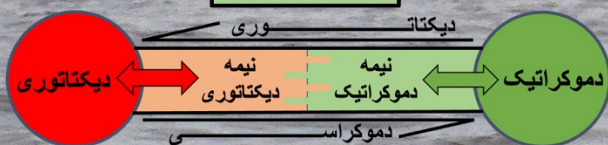
حکومت  
دادگاه  
پارلمان

حاکمان/اراندگان  
«انتخابی/استخدامی»  
(اصل پاسخگویی)

شهروندان/سرنشینان  
«آگاه/فعال»  
(اصل شهروندی)

«نامتمرکز: توزیع افقی/عمودی قدرت»  
(اصل خودگردانی)

قوانین  
«عادلانه»  
(۱)



مشکلات سیاسی دایمی جوامع

۱. مشکل نظام (تغییر ساختار/قانون)؛
۲. مشکل حاکم (تعویض حاکم)؛
۳. هر دو (نظام و حاکم)!

نظام عادلانه + حاکمیت قانون = جامعه دموکراتیک

عدالتخواهان/شهروندان → مبارزه بی‌پایان/برگشت‌پذیر ← عوامگرایان/شایدان

## نیازهای عمده‌ی شرایط کنونی

شخصیت‌ها، فرماندهان و رهبرانی به پا خیزند و رسالت پیشآهنگی مبارزه/مقاومت بر ضد طالبان را با ایجاد پایگاه‌ها و گسترش آن‌ها در سراسر کشور (و لابیگری، روشنگری، تظاهرات، اعتصابات و غیره در خارج کشور) بر دوش گیرند! **پس از سقوط طالبان:**

\* ایجاد حکومت موقت/انتقالی؛

\* تدوین قانون اساسی جدید (عدالانه/دموکراتیک)؛

\* برگزاری انتخابات سراسری و دموکراتیک (ایجاد دولت ملی)؛

\* حاکمیت قانون!

## مردم و جامعه جهانی

کسانی را تحویل می‌گیرند که

در میدان عمل ایستاده شوند؛

توانایی ایجاد و مهار

فرصت‌ها و چالش‌ها

را داشته باشند!

🌸 برای شخصیت‌های بزرگ بن‌بستی وجود ندارد؛

🌸 زیرا آن‌ها (چنان باور/روحیه دارند که) راهی می‌یابند و یا راهی می‌سازند!

🌸 شخصیت‌های بزرگ نه تنها از سختی‌ها، چالش‌ها و خطرهای نمی‌ترسند و شکایت نمی‌کنند؛

🌸 بلکه آن‌ها را بخش جداناپذیر و شرایط حتمی مبارزه و پیروزی می‌دانند؛

🌸 به استقبال آن‌ها می‌روند، آن‌ها را مهار می‌کنند و یا به فرصت‌ها تبدیل می‌نمایند!

من اگر برخیزم،

تو اگر برخیزی،

همه برمی‌خیزند!

من اگر بنشینم،

تو اگر بنشینی،

چه کسی برخیزد؟

سرفراز و کامگار باشید!